

روش شناخت سبک زندگی اسلامی*

□ سید مجید ظهیری^۱

چکیده

این مقاله سرشت سبک زندگی اسلامی را نمی‌شناساند، بلکه روش ماهیت‌شناسی در این حوزه و عرصه‌های مشابه را تبیین می‌کند. ماهیت‌شناسی مفاهیمی ترکیبی، همچون سبک زندگی اسلامی، کاری است پیچیده، که در عهده شرح اللفظ نیست. در این مقاله پس از تفکیک منطقی علل از دلایل عدم موفقیت در توسعه الگوسازی در سبک زندگی اسلامی با بررسی سه موضوع مدل‌سازی سکولار، نقش پیش‌دانسته‌ها و منظومه فکری اندیشمندان مسلمان و وحدت‌گرایی یا کثرت‌گرایی توصیفی و هنجاری در سبک زندگی اسلامی به مسائلی اساسی رهنمون می‌شود که به طور طبیعی پیش از پاسخ‌گویی به آنها هر نظریه‌پردازی درباره سبک زندگی اسلامی پیش فرض‌های بی‌نام و نشان دارد؛ چرا که در هر نظریه‌پردازی مبانی و مبادی تصویری و تصدیقی اجتناب‌ناپذیر است، لکن گاهی این مبادی و مبانی آگاهانه انتخاب می‌شوند و گاه ناآگاهانه بر نظریات تحمیل می‌شوند. این مقاله بر آن است که اگر بتوان از حیث متواظی یا مشکک بودن مفهوم ترکیبی سبک زندگی اسلامی؛ همچنین از حیث وحدت یا کثرت‌عرضی و

طولی و نیز از حیث صدق و کذب پذیری آن، به نتیجه‌ای رسید، می‌توان پی به ماهیت سبک زندگی اسلامی برد. بدیهی است ماهیت منتج، متناسب با پاسخ‌هایی است که به سؤالات پیش‌گفته داده می‌شود و مدل‌سازی‌های بعدی نیز متناسب با ماهیت‌شناسی مورد باور است.

واژگان کلیدی: سبک زندگی اسلامی، مدل‌سازی، معرفت، مهارت، تشکیک، وحدت‌گرایی، کثرت‌گرایی.

مقدمه

اگر پیشرفتی در توسعه الگوهای عملی و عینی به روز و متناسب با عصر و زمان از سوی پیروان یک مکتب صورت پذیرفته باشد، زمینه آن را باید هم در علل و هم در دلایل جستجو کرد. دلایل اموری معرفتی هستند و علل اموری وجودی؛ دلایل ناظر به مقام اثبات هستند و علل ناظر به مقام ثبوت (ر.ک: خندان، ۱۳۸۰، ۲۱۳-۲۱۶ و سروش، ۱۳۶۷، ۵۳-۷۲). برخی از دلایل عدم توسعه مناسب و هماهنگ سبک زندگی اسلامی عبارتند از:

- نفهمیدن سبک زندگی اسلامی؛
 - نشناختن الگوهای نظری در این زمینه؛
 - فهمیدن و باور نداشتن سبک زندگی اسلامی؛
 - شناختن و کارآمد نداشتن این سبک از زندگی.
- همچنین برخی از علل عدم توسعه مناسب و هماهنگ سبک زندگی اسلامی عبارتند از:
- توسعه فراگیر سبک زندگی غربی؛
 - عادات جوامع اسلامی به عمل براساس سبک‌های خرافی و انحرافی از دین؛
 - عادات جوامع اسلامی به ظاهر گرایی نسبت به آموزه‌های دینی؛
 - عجین شدن آداب و رسوم و شاخص‌های مختلف و متعدد فرهنگی جوامع مختلف اسلامی با آموزه‌های دینی؛
 - تأثیر گرایش‌های قومی و ناسیونالیستی بر سبک زندگی.
- به روشنی پیداست عوامل معرفتی و مؤلفه‌های وجودی به کمک هم می‌توانند

در ایجاد موانع و در صورت اصلاح، در به وجود آوردن شرایط برای بروز و ظهور سبک زندگی اسلامی مؤثر واقع شوند. اینک اما اگر جامعه علمی ما بر آن است که در توسعه الگوهای عملی سبک زندگی اسلامی و مدل سازی در این زمینه کوشا باشد، باید در حوزه نظر به پاره‌ای موضوعات توجه نماید. تأمل در این موضوعات ما را به سؤالاتی بنیادین می‌رساند که این مقاله با هدف توجه دادن جامعه علمی بدان‌ها، پیش از هرگونه نسخه نویسی یا مدل سازی، نگاشته شده است. سه موضوع مورد توجه در این مقاله عبارتند از:

۱. نقش مدل‌های علمی سکولار در تبیین سبک زندگی اسلامی و توجه به آسیب‌های ناشی از آن؛
۲. نقش پیش‌دانسته‌ها و منظومه فکری اندیشمندان مسلمان در تبیین سبک زندگی اسلامی و توجه به آسیب‌های ناشی از آن؛
۳. وحدت‌گرایی و کثرت‌گرایی توصیفی و هنجاری در سبک زندگی اسلامی.

و پرسش‌های بنیادینی که این مقاله توجه جامعه علمی را بدان معطوف می‌نماید، عبارتند از:

۱. آیا همچنان که دینداری مفهومی مشکک است و شدت و ضعف می‌پذیرد، سبک زندگی دینی هم چنین است؟
۲. سبک زندگی از مقوله روش است یا دانش یا ترکیبی از هر دو؛ اگر ترکیبی است اصالت با کدام است؟
۳. سبک زندگی از سنخ معرفت است یا مهارت یا ترکیبی از هر دو؛ اگر ترکیبی است اصالت با کدام است؟

مدل‌های علمی سکولار و سبک زندگی اسلامی

در میان دانشمندان غرب مطالعات سبک زندگی دینی و مدل سازی در خصوص آن دیرزمانی است که شروع شده است. مطالعات سبک زندگی دینی در غرب اغلب سه خصوصیت دارد؛ سکولار، تجربی و توصیفی است. توضیح این که

مدل سازی سبک زندگی دینی در غرب بیشتر مورد توجه جامعه شناسان و روان شناسان بوده است (زیرا یکی از پدیده‌های مورد توجه این گروه از دانشمندان رفتار دینی است)؛ طبیعی است که روش این علوم، تجربی و مطالعه ایشان در واقع توصیف جامعه مورد مطالعه، و جامعه مورد مطالعه ایشان سکولار است.

دین در جامعه سکولار، مربوط به بخشی از زندگی انسان‌هاست؛ یعنی در کنار سایر شؤون زندگی، از کسب و کار و تفریح و تغذیه و سلامت و روابط، یکی از شؤون نیز پرداختن به امور دینی است. اما در نگاه غیر سکولار، دین به همه شؤون زندگی انسان رنگ و معنا می‌دهد و در همه لایه‌های زندگی فردی و جمعی بشر حضور پررنگ دارد. در اسلام نه تنها کسب و کار با دین بی‌ارتباط نیست، بلکه هم پایه جهاد در راه خدا دانسته شده است؛ همچنین است تفریح، تغذیه، سلامت و ارتباطات انسانی. لذا باید مراقب بود که مدل سازی‌ها براساس جامعه شناسی و روان شناسی، که دانش‌هایی سکولار، تجربی و توصیفی هستند، بر سبک زندگی اسلامی که هم غیر سکولار است و هم جنبه‌های عقلانی - منطقی دارد و نیز واجد حیثیت هنجاری است، تحمیل نشود. روشن است که از این کلام بی‌توجهی به دانش‌های تجربی و توصیفی جامعه شناسی و روان شناسی و پیشرفت‌های اندیشمندان جهان نتیجه نمی‌شود، بلکه توجه به حدود کاربرد این دانش‌ها و روش‌ها و مدل‌های سنجش آنها مراد است.

در خصوص کمی سازی مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی و سنجش تأثیر و تأثر آنها در فعل و انفعالات فردی و اجتماعی دینداران، براساس مبانی کاملاً بومی و اسلامی کارهای بسیاری باید به انجام رسد و کارهای انجام شده‌ای که حداقلی از استانداردهای پژوهشی را واجد باشند کم شمارند.

به عنوان نمونه برای سنجش رابطه سبک زندگی اسلامی با شادکامی در رضایت از زندگی یک جامعه آماری خاص در ایران، از سه پرسش‌نامه استفاده شده است که دو پرسش‌نامه آن توسط روان شناسان غربی طراحی شده (یکی پرسش‌نامه ۲۹ سؤالی شادی آکسفورد آرگایل است که در سال ۲۰۰۱ تهیه شده است و دیگر پرسش‌نامه ۵ سؤالی رضایت از زندگی SWLS که توسط دینر و

همکارانش در سال ۱۹۸۵ تهیه شده است) و یک پرسش‌نامه بومی سبک زندگی اسلامی ILST (دارای دو فرم پرسش‌نامه ۱۳۵ و ۷۶ سؤالی) که توسط کاویانی در سال ۱۳۸۸ تهیه شده است (کجباف و همکاران، ۱۳۹۰). در ILST به ده مؤلفه اجتماعی، عبادی، اعتقادی، اخلاقی، اقتصادی، خانواده، سلامت، تفکر و علم، امنیت و زمان‌شناسی توجه شده است (کاویانی، ۱۳۹۰، ۳۰-۳۱).

بدیهی است مدل‌های سنجش غربی برآمده از هستی‌شناسی و انسان‌شناسی خاصی است که الزاماً مطابق با معیارهای ایرانی - اسلامی نیست. مؤلفه‌های ده‌گانه مربوط به ILST نیز در مبادی تصویری و تصدیقی و همچنین در مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی دچار اختلاف نظرهای غیر قابل چشم‌پوشی در نحله‌های مختلف فکری مسلمین است. این حقیقت بدان معناست که ما عملاً و در مقام تحقق با سبک‌های زندگی اسلامی مختلفی روبرو خواهیم بود. این جا این سؤال اصلی پیش می‌آید که آیا می‌توان یک سبک زندگی اسلامی را معیار قرار داد و دیگر سبک‌های موجود را براساس آن سنجید و حکم به صدق و کذب آنها داد. در چنین مقامی تکلیف دانش‌های سکولار روشن است؛ چرا که آنها، چنان که گفته شد، توصیفی هستند و قضاوت هنجاری نمی‌کنند. اما آیا در سبک زندگی اسلامی هم چنین است؟

نقش پیش‌دانسته‌ها در مدل‌سازی سبک زندگی اسلامی

تأثیر پیش‌دانسته‌ها و به‌طور کلی نقش منظومه فکری یک متفکر در شناخت انسان و مدل‌سازی تربیت او و تعیین هرم نیازهای او و شکل‌دهی روش زندگی‌اش چیزی نیست که بتوان آن را انکار نمود و اندیشمند خرد و کلان نمی‌شناسد. آیا جناب صدرالمآلهین شیرازی، اندیشمند و متفکر تأثیرگذار و مهمی در تاریخ تفکر عقلی اسلامی نیست؟ آیا جز این است که ایشان هم برای فهم آموزه‌های اسلام نیاز به تفسیر اخبار دارد؟ به آسانی و با رجوعی گذرا به آثار این متفکر بزرگ درمی‌یابیم که برداشت‌های قرآنی و روایی‌اش بدون رجوع به مبانی فلسفی‌اش قابل تبیین نیست. نقش پیش‌دانسته‌ها در فهم و تفسیر

متون مقدس از اهمیت بالایی برخوردار است. صدرا در انسان‌شناسی و شناخت نفس انسانی مبانی خاصی دارد که در مقام تطبیق با آیات و روایات تأثیرگذار است، اما چنین نیست که همیشه این تأثیرگذاری در جهت فهم بهتر و عمیق‌تر باشد. به عنوان نمونه به باور برخی محققان، وی چون به نفس فلکی قائل است (صدرالدین شیرازی، مبدأ و معاد، ۱۲۶؛ مفاتیح الغیب، ۳۶۸)، آیاتی از قرآن که از کتاب (حدید/۲۲)، کتاب مبین (انعام/۵۹)، ام‌الکتاب (رعد/۳۹)، عرش (فرقان/۵۹)، و کرسی (بقره/۲۵۵) یاد کرده است، براساس همین نظریه تفسیر می‌کند و کتاب را بر افلاک (صدرالدین شیرازی، اسرارالآیات، ۶۱)، کتاب مبین را بر نفوس فلکی (همو، اسفار، ۶، ۲۹۵؛ شرح اصول کافی، ۳، ۳۵۴)، ام‌الکتاب را بر نفس کلی فلکی (همو، اسفار، ۶، ۲۹۵؛ تفسیر، ۷، ۱۰۶)، عرش را بر فلک الافلاک (همو، شرح اصول کافی، ۳، ۳۲۵-۳۲۷) و کرسی را بر نفس کلی (همان، ۳۴۵) تطبیق می‌کند و سخت تحت تأثیر مبانی نظری علمی و عقلی خود به تفسیر آیات مقدس مبادرت می‌ورزد. در صورتی که نظریه افلاک و نفوس فلکی مبنا در طبیعات قدیم و هیأت بطلمیوسی دارد و منسوخ گشته است (ارشد ریاحی، ۱۳۸۳). بدیهی است این نمونه‌ها باعث نمی‌شود که همه برداشت‌های صدرا از آیات و روایات را این چنین تعبیر کرد، لکن غرض این است که بدانیم:

۱. شرایط پیشین علمی، عقلی و فرهنگی در برداشت از انسان و تربیت و به دنبال آن مدل سازی سبک زندگی اسلامی او برای عامی و عالم در هر سطحی (در طرق عادی کسب معرفت) تأثیرگذار است؛

۲. این تأثیرات ممکن است هم اکنون یا در آینده مورد تجدید نظر قرار گرفته و بناهای ساخته شده بر مبنایشان را دستخوش تغییر کند.

وحدت‌گرایی و کثرت‌گرایی در سبک زندگی اسلامی

آیا سبک زندگی اسلامی، با توجه به تنوع فرهنگی و جغرافیایی و نژادی و سنی و جنسی و سطح فکری و عاطفی و عقلانی، می‌تواند نسخه‌ای واحد باشد؟ آیا ما باید به دنبال سبک زندگی در اسلام باشیم یا سبک‌های زندگی مورد تأیید

اسلام؟ ما در نخستین گام می‌خواهیم بدانیم و بیاییم که به عنوان یک مسلمان با مسأله سبک زندگی چگونه روبرو شویم.

﴿۹﴾

به عنوان مثال ابن خلدون منطقه جغرافیایی را مؤثر در نحوه زندگی می‌داند و شکل‌گیری دو سبک زندگی متفاوت بادیه نشینی و شهرنشینی را کاملاً تحت تأثیر شرایط محیط جغرافیایی تفسیر می‌کند و محیط جغرافیایی و سبک زندگی شکل گرفته براساس آن را مؤثر در شکل دینداری در هر سه ضلع مناسک، اخلاقیات و باورهای دینی می‌داند (رحمانی، ۱۳۹۰، ۲۷ و ۲۸).

وی معتقد است:

باده نشینان، که به گرسنگی عادت دارند، در تأثیر فراوانی نعمت و آسایش زندگی در وضع بدن و حتی در کیفیت دین و عبادت هم نمودار می‌شود. چنان که می‌بینیم باده نشینان و هم شهرنشینی که در مضیقه و خشونت می‌باشند و به گرسنگی عادت می‌کنند و از شهوات و خوشگذرانی‌ها دوری می‌جویند، نسبت به آنان که غرق ناز و نعمت‌اند دیندارترند و به عبادت بیشتر روی می‌آورند. بلکه مشاهده می‌کنیم که اهل دین در شهرها و اماکن پر جمعیت اندک‌اند، زیرا میان جماعتی که در گوشت خواری و برخوردار از خورش‌های گوناگون و خوردن مغز گندم بدون پوست افراط می‌کنند، قساوت و غفلت تعمیم می‌یابد و به همین سبب پارسایان به ویژه از میان بادیه نشینانی برمی‌خیزند که از حیث غذا در مضیقه می‌باشند و از انواع ناز و تنعم محروم‌اند (ابن خلدون، ۱۳۷۳، ۱۶۳).

نزد جامعه شناسان ماهیت سبک زندگی پیوند مستقیم و وثیقی با مفاهیم

جامعه شناختی ذیل دارد:

۱. عینیت و ذهنیت؛
۲. فرهنگ و جامعه؛
۳. فرهنگ عینی و ذهنی؛
۴. صورت و محتوا؛
۵. رفتار و نگرش، ارزش و هنجار؛
۶. اخلاق و ایدئولوژی؛

۷. سنت و نوگرایی؛
 ۸. شخصیت و هویت فردی و اجتماعی؛
 ۹. وراثت و محیط؛
 ۱۰. فردیت و عمومیت؛
 ۱۱. خلاقیت و بازتولید؛
 ۱۲. تولید و مصرف؛
 ۱۳. طبقه و نوع قشر بندی اجتماعی؛
 ۱۴. زیبایی شناسی (سلیقه) و نیاز؛
 ۱۵. منزلت و مشروعیت. از این روی شناخت ماهیت سبک زندگی در ارتباط با مفاهیم فوق میسر است (مهدوی، ۱۳۸۷، ۲۰۰؛ به نقل از: هندری، ۱۳۸۳، ۲۲۸).
- نسخه نگاری از سبک زندگی متأثر از نوع نگاهی است که انسان‌ها در قرون و اعصار مختلف و شرایط فرهنگی متفاوت به آموزه‌های دینی از یک سو و نیازهای طبیعی فردی و اجتماعی و تأثیر و تأثرات چند وجهی محیطی خود از سوی دیگر داشته‌اند.
- تنها کافی است به دو جریان ظاهرگرایی و عقل‌گرایی در عالم اسلام توجه نماییم. آیا مدل سازی‌ای که از ظاهرگرایی برمی‌آید با نسخه‌ای که عقل‌گرایان می‌پسند یکی است؟ روشن است که انسان‌شناسی، هدف‌شناسی تربیتی و روش‌شناسی و برنامه‌ریزی تربیتی او در پارادایم ظاهرگرایی با انسان‌شناسی، هدف‌شناسی تربیتی و روش‌شناسی و برنامه‌ریزی تربیتی او در پارادایم عقل‌گرایی تفاوت‌های جدی دارد (ر.ک: جباری، ۱۳۸۸). لذا طبیعی است که این دو نحله فکری برآورنده دو نسخه مختلف از سبک زندگی هستند. این میزان اختلاف برداشت از انسان و برنامه و روش تربیتی او کثرتی عرضی در سبک زندگی اسلامی ایجاد می‌کند. اما این اختلاف آیا در درون خود عقل‌گرایان و ظاهرگرایان نیست؟ کافی است به کثرت انواع عقلانیت و عقل‌گرایی برخاسته از آن، از جمله تقسیم‌بندی پنج‌گانه پلاتینگا (Plantiga, 1993&2000) از عقل‌گرایی (عقلانیت عمومی ارسطویی، عقلانیت عملی پراگماتیستی و

فونکسیونالیستی، عقلانیت منطقی، عقلانیت وظیفه شناختی و عقلانیت علی) توجه نمود و میزان تأثیر آن در رویکرد تربیتی به انسان را مورد تأمل قرار داد (ر.ک: خالق خواه، ۱۳۸۹). کار آنگاه دشوار می‌شود که پای نسخه‌های عقل‌گرایی حداکثری و عقل‌گرایی انتقادی (پترسون، ۱۳۷۶، ۷۸-۷۲ و ۹۱-۸۵) را نیز به میان بکشیم.

همه قرائن و شواهد فوق حاکی از این واقعیت است که در سبک زندگی اسلامی هم کثرت عرضی تحقق دارد و هم کثرت طولی. این رویکردی توصیفی نسبت به سبک زندگی اسلامی است؛ اما از حیث هنجاری بحث همچنان باقی است و به پرسش‌هایی بنیادین مربوط می‌شود؛ پرسش‌هایی که در ادامه به آنها خواهیم رسید.

پرسش‌های بنیادین درباره سبک زندگی

آیا در نسخه نگاری‌های مختلف از سبک زندگی، اوصاف درست و نادرست معنی دارد؟ آیا سبک زندگی متعلق صدق و کذب قرار می‌گیرد؟

در دانش معرفت‌شناسی میان معرفت و مهارت تمایز قائل می‌شوند (Pojman, 1993, pp1-2) و معرفت را شناخت این که (knowledge that) یا معرفت گزاره‌ای (propositional knowledge) و مهارت را شناخت چگونگی (knowledge how) و از نوع توانایی (ability) معرفی می‌کنند. میان این دو نوع شناخت چند تفاوت برشمرده‌اند:

۱. معرفت متعلق صدق و کذب قرار می‌گیرد، اما مهارت متعلق صدق و کذب قرار نمی‌گیرد و به جای آن متعلق کارآمدی و ناکارآمدی قرار می‌گیرد.
 ۲. معرفت به آسانی قابل انتقال به غیر است، اما مهارت تنها با تمرین و ممارست شخصی حاصل می‌شود.

۳. مهارت امری مشکک است و شدت و ضعف برمی‌دارد، اما باورها در حوزه معرفت یا صادق‌اند یا کاذب و امری مشکک نیستند، لذا رشد مهارت بیشتر کیفی است (Dancy, 1992, p240).

حقیقت این است که اگر از سبک زندگی اسلامی سخن می‌گوییم، اسلام را تنها در مجموعه‌ای از معارف و گزاره‌ها خلاصه نمودن باعث عدم توجه ما به تأثیری که دین در سایر شؤون فردی و اجتماعی انسان دارد و از سنخ دانش نیست می‌شود. سبک زندگی دینی چیزهایی لازم دارد که از سنخ مدیریت است. مدیریت هم دانش و معرفت نیاز دارد، هم فن و مهارتی است که از سنخ معرفت نیست. انسان عالم به علم مدیریت، در مقام عمل، در مدیریت یک سازمان با مسائل مختلف احساسی، عاطفی و هیجانی روبرو می‌شود؛ بیم و امید، نشاط و افسردگی، قاطعیت و سازش کاری همگی در توفیق یک مدیر مؤثرند و هیچ یک از این عوامل معرفتی نیستند. برای این بخش از سبک زندگی اسلامی چه می‌شود کرد؟

در خصوص سبک زندگی اسلامی پرسش‌های بنیادین باید پاسخ داده شود:

۱. رابطه سبک زندگی با دین چیست؟ آیا ارزش‌ها و گرایش‌های دینی مؤلفه‌ای از مؤلفه‌های سبک زندگی هستند یا به طور کلی سبک زندگی در همه ابعاد آن متأثر از ارزش‌ها و نگرش‌ها و گرایش‌های دینی است؟
 ۲. رابطه سبک زندگی و سبک دینداری چیست؟ آیا سبک زندگی دیندار عامی با سبک زندگی دیندار عقل‌گرا و سبک زندگی دیندار معناگرا یک نسخه است؟ اگر یک نسخه نیست رابطه نسخ متفاوت چیست و وجه شبه و افتراق آنها کدام است؟
 ۳. آیا همچنان که دینداری مفهومی مشکک است و شدت و ضعف می‌پذیرد سبک زندگی دینی هم چنین است؟
 ۴. سبک زندگی از مقوله روش است یا دانش یا ترکیبی از هر دو؛ اگر ترکیبی است اصالت با کدام است؟
 ۵. سبک زندگی از سنخ معرفت است یا مهارت یا ترکیبی از هر دو؛ اگر ترکیبی است اصالت با کدام است؟
- پیش از پاسخ‌گویی به پرسش‌های فوق هر نظریه‌پردازی درباره سبک زندگی اسلامی، نه این که بنیاد ندارد بلکه، بنیادها و پیش فرض‌های بی‌نام و نشان دارد؛

چرا که در هر نظریه‌پردازی مبانی و مبادی تصوری و تصدیقی اجتناب ناپذیر است، لکن گاهی این مبادی و مبانی آگاهانه انتخاب می‌شوند و گاه ناآگاهانه بر نظریات تحمیل می‌شوند. دقیقاً همین جاست که زاویه‌های التقاط و انحراف تحقق می‌یابد و هر چه نظریه‌پردازی‌ها پیش‌تر می‌رود التقاط و انحراف روشن‌تر می‌گردد.

نتیجه‌گیری

ماهیت‌شناسی صحیح و جامع نگر در حوزه سبک زندگی اسلامی شرط لازم مدل‌سازی در این حوزه است. بررسی سه موضوع مهم کاربرد مدل‌های علمی سکولار در تبیین سبک زندگی اسلامی و توجه به آسیب‌های ناشی از آن؛ نقش پیش‌دانسته‌ها و منظومه فکری اندیشمندان مسلمان در تبیین سبک زندگی اسلامی و توجه به آسیب‌های ناشی از آن؛ وحدت‌گرایی و کثرت‌گرایی توصیفی و هنجاری در سبک زندگی اسلامی، ما را در روش صحیح شناخت جامع از ماهیت سبک زندگی اسلامی کمک می‌کند. سبک زندگی اسلامی مفهومی است مرکب و پیچیده و برای نزدیک شدن به ماهیت چنین مفهومی نمی‌توان از شرح اللفظ مدد جست، بلکه باید به کمک تحلیل مفهومی، خصوصیات و ویژگی‌های مهم آن را شناسایی نمود. ویژگی‌های مهمی که در این جستار به آنها توجه داده شد عبارتند از:

۱. متواظی یا مشکک بودن سبک زندگی اسلامی؛
۲. واحد یا کثیر بودن آن به کثرت عرضی یا طولی یا هر دو؛
۳. معرفتی یا مهارتی بودن آن؛
۴. دانش یا روش بودن آن؛
۵. صدق و کذب‌پذیری آن؛

منابع و مأخذ

۱. خندان، علی اصغر (۱۳۸۰)، *مغالطات*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲. سروش، عبدالکریم (۱۳۶۷)، «علت و دلیل در علوم اجتماعی»، نامه علوم اجتماعی، ش ۱.

۳. رحمانی فیروزجاه، علی و سهرابی، سعیده (۱۳۹۰)، «رابطه سبک زندگی و دینداری از دیدگاه ابن خلدون»، پژوهش‌های علم و دین، سال دوم، ش ۱.
۴. ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۷۳)، مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۵. مهدوی کنی، محمد سعید (۱۳۸۷)، «مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی»، تحقیقات فرهنگی، ش ۱.
۶. هندری، ل. بی و دیگران (۱۳۸۳)، اوقات فراغت و سبک‌های زندگی جوانان، ترجمه فرامرز ککولی دزفولی و مرتضی ملانظر، سازمان ملی جوانان، تهران، نسل نو.
۷. صدرالدین شیرازی، محمد (۱۳۶۳)، مفاتیح الغیب، به کوشش محمد خواجه‌جوی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۸. ----- (۱۳۶۰)، اسرارالآیات، به کوشش محمد خواجه‌جوی، تهران، انجمن حکمت و فلسفه.
۹. ----- (۱۳۶۶)، شرح اصول کافی، به کوشش محمد خواجه‌جوی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۱۰. ----- (۱۳۶۶)، تفسیر قرآن الکریم، به کوشش محمد خواجه‌جوی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۱۱. ----- (۱۴۱۹ق)، الحکمة المتعالیة فی اسفار العقلیة الاربعه، بیروت، دار احیا التراث العربی.
۱۲. ارشد ریاحی، علی (۱۳۸۳)، «نظریه نفس کلی و نفوس افلاک و تأثیر آن در فهم صدرا از آیات قرآن»، مقالات و بررسی‌ها، ش ۷۵، دفتر دوم.
۱۳. کججاف، محمد باقر (۱۳۹۰)، «رابطه سبک زندگی اسلامی با شادکامی در رضایت از زندگی دانشجویان شهر اصفهان»، روان‌شناسی و دین، سال چهارم، ش ۴.
۱۴. کاویانی، محمد (۱۳۹۰)، «کمی سازی و سنجش سبک زندگی اسلامی»، روان‌شناسی و دین، سال چهارم، ش ۲.
۱۵. جببازی، کامران و سجادی، سید مهدی (۱۳۸۸)، «تبیین تربیت دینی ظاهرگرا و نقد آن براساس جریان عقل‌گرا»، مطالعات اسلامی (فلسفه و کلام)، ش ۸۲.
۱۶. پترسون، مایکل و دیگران (۱۳۷۶)، عقل و اعتقاد دینی؛ درآمدی بر فلسفه دین، تهران، طرح نو.

17. Plantinga, Alvin, 1993, *Warranted the Current Debate*, Published by Oxford University Press.
18. Plantinga, Alvin, 2000, *Warranted Christian Belief*, Published by Oxford University Press.
19. Dancy, J & Sosa, E (ed), 1992, *A Companion to Epistemology*, New York: Basil Blackwell.
20. Pojman, L, 1993, *The Theory of Knowledge*, California: Wadsworth Press.